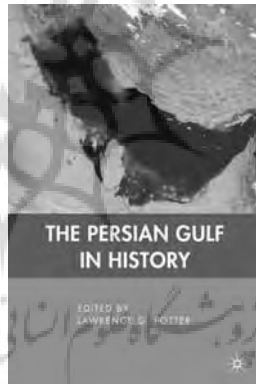


تلاطم تاریخ در دریای پارس

• مسعود رضوی



- The Persian Gulf in History
- Author: Lawrence G. Potter
- Publisher: Palgrave Macmillan (2010)
- Language: English
- Paperback: 336 Pages
- ISBN 978-0230612822

پیشینه‌ی تاریخی خلیج فارس که مهم‌ترین آبراه جهان است، به حدود هزاره پنجم پیش از میلاد می‌رسد و در این دوران بنا به مدارک باستان‌شناختی، نخستین پیوند بین سرزمین‌های گوناگون، از طریق این آبراه برقرار شده است. این پیوندها، در طی هزاره‌های بعدی تداوم یافته و در این میان، دادوستدهای فرهنگی - بازرگانی بین ایران و بین‌النهرین و سرزمین‌های باستانی دیلمون (بحرین، خاور عربستان و جزیره فیلکه)، مکن (شمال عمان، امارات عربی متحده و بخشی از جنوب خاوری ایران) و ملوخ (فرهنگ دره‌ی سند) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

به اذعان تمام منابع تاریخی موجود، این پهنه آبی همواره با عناوینی نظیر خلیج فارس، خلیج عجم، دریای فارس یا بحر فارس شناخته شده است. از روزگار باستان تا امروز، در همه آثار تاریخی، جغرافیایی و دایره‌المعارف بزرگ جهان، آب‌های جنوب ایران - از پیوستن گاه اروند رود تا تنگه هرمز - به نام خلیج فارس شناخته شده است.^۱

در اوستا چندین جا از خلیج فارس به نام «دریای پوئی تیک» یا «پوئی دیک» یا «پودیگ» یاد شده است. در وندیداد (شماره ۱۸، فرگرد ۵) می‌خوانیم: من اهوره مزدا، آب‌ها را بر مردارها و دخمه‌ها و بازمانده‌های چرکین و استخوان‌ها روان می‌کنم. آنگاه من، اهوره مزدا، آب‌ها را پنهانی باز می‌گردانم. من، اهوره مزدا، آب‌ها را به دریای پوئی تیک بازمی‌گردانم.^۲

در بندهشن نیز آمده است که آب‌های کثیف و ناسالم به این دیار ریخته و در آن جا متوقف می‌شوند تا از آلودگی پاک شوند. آنگاه جریان مداوم و تلاطم دریا به وسیله باد، آب‌های آلوده و نجس را پاک و تصفیه کرده و از آنجا به دریای وئوروکشه یا فراخکرت (اقیانوس هند) هدایت می‌کند و این دو دریا از زیر به هم ارتباط دارند.

سند دیگری که از خلیج فارس یاد کرده و در حال حاضر در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود، نقشی است که در زمان یکی از پادشاهان بابل بر لوحه‌ای سفالین ترسیم گردیده است. این لوحه جهان آن روزگار را نشان می‌دهد. شرح پیرامون و پشت نقشه می‌رساند که تمامی دنیای شناخته شده آن دوران، از بابل و آشور و پیرامون آن‌ها می‌گذرد. این سرزمین‌ها به شکل دو مربع مستطیل در درون دایره‌ای ترسیم شده‌اند و رود فرات نیز از بالا به پایین جریان دارد و توسط خلیج‌فارس فرا گرفته شده‌اند. دیرینگی این سند به ۶ هزار سال پیش می‌رسد. همچنین در یکی از کتیبه‌های آشوری نیز از خلیج فارس با نام رود تلخ که به آشوری «نار مرتو» تلفظ می‌شود، یاد شده است. اناکسیمندر ملطی

پس از مراجعت به لندن در سال ۱۳۴۵ هجری خورشیدی، کتابی درباره سواحل جنوبی خلیج فارس منتشر کرد و در آن برای نخستین بار از عنوان جعلی خلیج عربی استفاده نمود. او در کتاب خود با عنوان ساحل دزدان ادعا کرد که اعراب علاقمندند خلیج فارس را خلیج عربی بنامند.

در اقدامی دیگر، روزنامه تایمز لندن در سال ۱۹۶۲ در یکی از مقالات خود از خلیج عربی به جای خلیج فارس استفاده کرد و از آن زمان به بعد، برخی از دولت‌ها و شیخ نشین‌های عرب با خریدن روزنامه‌نگاران و خبرنگاران خارجی و با پرداخت مبالغ هنگفت به چاپ نقشه‌هایی جعلی اقدام کردند.

این تحرکات ابتدا از سوی برخی نظامیان کودتاچی همچون عبدالکریم قاسم در عراق و سپس توسط جمال عبدالناصر، رهبر انقلابات مصر در دهه ۱۹۶۰، ادامه یافت. در سال ۱۹۵۸ سرهنگ عبدالکریم قاسم با کودتایی در عراق به حکومت رسید و پس از مدتی داعیه‌دار رهبری جهان عرب گردید. او برای تحریک احساسات عمومی، برای نخستین بار نام خلیج فارس را تغییر داد تا با مطرح نمودن ایران به عنوان دشمن اصلی اعراب، توجه جهان عرب را از قاهره به بغداد جلب کند اما با شکست مواجه شد و براساس اسناد منتشره در عراق و در همان دوران، حتی توجه دانشگاهیان عراق را نیز جلب نکرد.

موضوع اما به همین جا ختم نمی‌شد. علی‌رغم تمام موافقت‌نامه‌های رسمی نظیر موافقت‌نامه‌ی ۸ ژانویه ۱۸۲۰ که حتی در متن عربی از واژه‌ی الخلیج الفارسی استفاده شده و یادداشت‌های شماره‌ی AD ۳۱۱ / IGEN مورخ ۵ مارس ۱۹۷۱ و I.A. ۴۵۸.۲ (C) مورخ دهم اوت ۱۹۸۴ در دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد، شیطنت‌ها از جوانب گوناگون ادامه یافت. در مقابل، آثار پرارزشی در دسترس قرار گرفت که با تکیه بر اسناد و شواهد متقن تاریخی، بر حقیقت خلیج فارس تأکید می‌کرد.

خلیج فارس در تاریخ، یکی از این پژوهش‌هاست که در سال ۲۰۰۹ از سوی انتشارات مک‌میلان در ۳۳۶ صفحه به چاپ رسید. کتاب، در واقع مجموعه‌ای از ۱۵ رساله است، حاصل پروژه‌ای با نام «خلیج فارس» که در سال ۲۰۰۰ توسط دانشگاه کلمبیا طراحی و، در نهایت، با ویرایش لارنس جی پاتر^{۱۲} منتشر شد. پاتر علاوه بر این که از سال ۱۹۹۴ در مقام نایب رئیس این پروژه به کار پرداخته، از سال ۱۹۹۶ بدین سو در دانشگاه کلمبیا به تدریس مشغول است. او ابتدا در مدرسه‌ی مطالعات آفریقایی و شرقی^{۱۳} در حوزه‌ی مطالعات خاورمیانه به تحصیل پرداخت و سپس دکترای تاریخ خود را از دانشگاه کلمبیا دریافت کرد. چهار سال پیش از وقوع انقلاب اسلامی در دانشگاه‌های ایران تدریس کرد و در تاریخ ایران و نیز رویکرد غرب نسبت به خاورمیانه به تخصص و تبحر دست یافت.

از میان آثار او خلیج فارس در هزاره: مقالاتی در سیاست، اقتصاد، امنیت و دین (۱۹۹۷)؛ امنیت در خلیج فارس: خاستگاه‌ها، موانع و جست‌وجو برای اتفاق آراء (۲۰۰۲)؛ ایران، عراق و مردم‌یگ‌های جنگ (۲۰۰۴)؛ در کنار مقالات متعدد و مدخل‌هایی که برای دانشنامه‌های گوناگون - از جمله دایره‌المعارف مدرن خاورمیانه و شمال آفریقا- نگاشته با اقبال و استقبال فراوانی مواجه بوده‌اند.

آن گونه که در مقدمه‌ی کتاب آمده، محور اصلی مباحث این اثر را تاریخ و جغرافیای خلیج فارس - از روزگاران باستان تا زمان حاضر - تشکیل می‌دهد. نویسندگان، که همگی از اساتید برجسته‌ی دانشگاه هستند، تاریخ محلی و منطقه‌ای خلیج فارس را با توجه به حوادث بیرونی یا حضور نیروهای خارجی مثل پرتغالی‌ها، هلندی‌ها، عثمانی‌ها، انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها بر رسیده‌اند. اما

(۱۰-۵۴۶ پ.م) در نقشه جهان خود از خلیج فارس نام برده است. این اثر در کتاب Schriften Kleinere اثر ی. لول (لایپزیک: ۱۸۳۶ م، لوحه ۱) منتشر شده است. هکاتئوس ملطی (۴۷۳-۵۴۹ پ.م) از سرشناس‌ترین جغرافیادانان روزگار خود، نقشه‌ای از جهان ترسیم کرده که در آن، آب‌های اقیانوس، پیرامون خشکی‌ها را فرا گرفته‌اند. در این نقشه خلیج فارس و دریای سرخ دیده می‌شود. و سرانجام، برپایه نوشته نویسندگان یونانی همچون کتزیاس (۴۴۵-۳۸۰ پ.م)، گزنفون (۴۳۰-۳۵۲ پ.م) و استرابون (۳ پ.م - ۲۴ م)، یونانیان به این دریا نام «پرس» و به سرزمین ایران «پارسه»، «پرسای» و «پرس پولیس» یعنی شهر یا کشور پارسیان داده‌اند.^{۱۴}

از میان مورخان مشهور یونانی، فلاویوس آریانوس^{۱۵} که در سده دوم میلادی می‌زیست، در کتاب معروف خود آنابازیس، نام این خلیج را «پرسیکون کاپتاس» ضبط کرده است. استرابون مکرراً از همین نام استفاده کرده و بطلمیوس در کتابی که در خصوص علم جغرافیا تألیف کرده، خلیج فارس را «پرسیکوس سیئوس» نامیده که دقیقاً به معنی خلیج فارس است.

«کواربیوم پرسیکو» نامی است که کورسیوس روفوس^{۱۶} - مورخ رومی قرن اول و متخصص در تاریخ اسکندر - بر خلیج فارس نهاده اما تمام زبان‌های زنده دنیا همان اصطلاح نخستین را برگرفته و ترجمه آن را مورد استفاده قرار داده‌اند.^{۱۷}

در دوران اسلامی نیز کسانی همچون ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق بن ابراهیم الهمدانی معروف به ابن فقیه در مختصر البلدان، ابوعلی احمد بن عمر بن رسته در الاعلاق النقیسه سهراب ایرانی در عجائب الاقالیم السبعیة الی نهاییه العماریه، ابن خرداد به خراسانی در المسالک والممالک بزرگ بن شهریار الناخته هرمرزی (ناوخدای راهمزمی) در عجایب الهند بروبحرو جزایره ابواسحاق ابراهیم بن محمد الفارسی الاصلی در مسالک الممالک (براساس صور الاقالیم ابوزید بلخی)، مسعودی در مروج الذهب و معادن الجوهر و نیز در التنبیه والانشرافه مقدسی در البدع والتاریخ بیرونی در التفهیم الاوائل صناعه بالتنجیم و در القانون المسعودی، ابن حوقل در صور الارض، بشاری در احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، محمد بن نجیب بکیران در جهان نامه، ابن البلخی در فارسنامه شرف‌الزمان طاهر مروری در طبایع الحیوان، ابن ادریس معروف به الشریف الادرسی در نزهة المشتاق فی اختراق الافاق، یاقوت حموی در معجم البلدان، محمود قزوینی در آثار الباقیه و اخبار العباد و نیز در عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، اسماعیل بن علی امیر حماه در تقویم البلدان، ابی‌طالب الانصاری الدمشقی در نخبه‌الدهر فی عجائب البر والبحر، عبدالوهاب بن محمد النوبری در نهایه الارب فی فنون العرب حمدالله مستوفی در نزهة القلوب ابن الوردی در خریده العجائب و فریده الغرائب قلقسندی در صبح الاعشی فی کتابه الانشاء، حاجی خلیفه در کشف الظنون، و صاحب حدود العالم من المشرق الی المغرب به تفصیل از خلیج فارس، جغرافیای تاریخی و نام و نشان آن سخن گفته‌اند.^{۱۸}

پس از طرح ادعاهای واهی، مبنی بر تغییر نام خلیج فارس، تلاش‌های بسیاری برای احیاء آثار قدیمی، ارائه اسناد بین‌المللی و تألیف کتب تازه‌تر آغاز شد. موضوع تغییر نام خلیج فارس از دهه سوم قرن بیستم به دنبال سیاست فارسی‌زدایی انگلیسی‌ها در منطقه خلیج فارس مطرح شد. اصطلاح «خلیج عربی» برای اولین بار از سوی یک دیپلمات بریتانیایی مطرح شد. سرچارلز بلگریو که بیش از سه دهه نماینده سیاسی دولت بریتانیا در خلیج فارس بود،

پس از طرح ادعاهای واهی، مبنی بر تغییر نام خلیج فارس، تلاش‌های بسیاری برای احیاء آثار قدیمی، ارائه اسناد بین‌المللی و تألیف کتب تازه‌تر آغاز شد. موضوع تغییر نام خلیج فارس از دهه سوم قرن بیستم به دنبال سیاست فارسی‌زدایی انگلیسی‌ها در منطقه خلیج فارس مطرح شد. اصطلاح «خلیج عربی» برای اولین بار از سوی یک دیپلمات بریتانیایی مطرح شد

خلیج فارس

دو بخش پایانی فصل اول شبکه‌ی متراممکن روابط ایرانیان و اعراب و در نتیجه درآمیختگی فرهنگی آنان را به نمایش می‌گذارد. شهناز راضیه نجم‌آبادی در مقاله‌ی «حضور اعراب در سواحل ایرانی خلیج فارس» دیدگاهی مبتنی بر انسان‌شناسی اجتماعی ارائه داده، حرکت مهاجران عرب به نواحی ساحلی ایران را بررسی کرده و تغییر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی‌ای را وامی‌کاود که در پی این جا به جایی‌ها تشکیل شده بود.

اما ویلیام بیمن^{۱۶} هویت خلیج فارس را بر مبنای این انگاشت مورد بررسی قرار می‌دهد که مردمان سواحل خلیج فارس در واقع یک جامعه‌ی فرهنگی‌اند (ص ۱۴۸). ترکیبی از سپهرهای فرهنگی ایرانی و عربی که در معادلات سیاسی، تجاری و ژئوپولیتیک منطقه هم‌بی‌تأثیر نیست.

فصل دوم «خلیج فارس و اقیانوس هند» نام دارد و ۴۵ صفحه است. این فصل به نقش و موقعیت خلیج فارس در محدوده‌های اقیانوس هند می‌پردازد. عناوین سه بخش مندرج در این فصل عبارتند از: «وحدت فرهنگی خلیج فارس و اقیانوس هند: یک چشم‌انداز تاریخی» نوشته رضا باکر. در این جا مثلاً می‌خوانیم که استخری همه بخش شمالی و میانی اقیانوس هند کنونی را دریای پارس می‌شناسد یا این فقیه می‌گوید: بدان که دریای پارس و هند از برای پیوستگی به یکدیگر هر دو یک دریا هستند.

او همه پهنه باختری اقیانوس هند یعنی دریای بزرگ جنوبی (دریای مکران و خلیج فارس) را دریای پارس می‌شناسد و بخش خاوری آن (خلیج بنگال کنونی) را دریای هند می‌داند.^{۱۷}

باکر با به میان کشیدن مسئله مهاجرت عنوان می‌کند که کرانه غربی اقیانوس هند از وحدتی فرهنگی برخوردار بوده. این وحدت البته تا پیش از ورود قدرت‌های خارجی آشکارتر بود اما پس از آن و با تقسیم مرزهای سیاسی آن جوامع نیز به گسیختگی دچار آمدند.

عبدالشرف در بخش دوم از فصل دو «خلیج فارس و کرانه سواحلی» را مطرح نظر قرار داده و با رویکردی همانند باکر، از شبکه در هم تنیده روابط متقابل فرهنگی و اجتماعی سخن می‌گوید (ص ۱۷۷). این روابط حتی امروزه نیز در جوامع زنگبار، عمانی و هزارامواتی دیده می‌شود. «هند و خلیج فارس: رویارویی از میانه قرن شانزدهم تا میانه قرن بیستم» را پاتریشیا ریسو نوشته است.

او این دوره زمانی را روزگاری پویا نامیده. راجه‌ها، شیخ‌ها، فرمانداران محلی، کسبه، تجار و هنرمندان همگی مورد تحلیل قرار گرفته. ریسو از اثر تازه جیمز انلی^{۱۸} سخن می‌گوید که درباره مکانیسم تغییر وضعیت هندیان به دست انگلیسی‌ها نوشته شده و او به تفصیل نظرات انلی را تشریح می‌کند. واپسین فصل کتاب «نقش بیگانگان» نام دارد و حاوی پنج بخش است.

موضوع مشترک در تمام رسالات، یکی یکپارچگی و هویت ممتاز خلیج است و دیگری روابط فیما بین ساحل‌نشینان ایرانی و عرب.

مجموعه‌ی پانزده مقاله‌ی کتاب در سه فصل مجزا تدوین و تدوین شده است. این مقالات همگی رویکردی میان - رشته‌ای دارند و تحلیل‌های نویسندگان نیز حوزه‌های باستان‌شناختی، انسان‌شناسی، فرهنگی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد. در پایان، خواننده درمی‌یابد که هویت تاریخی خلیج فارس از گونه‌ای الگوی واحد و متداوم پیروی می‌کند، یک واحد تمدنی است و در عین حال از تنوعی غنی برخوردار است. از دیگر موضوعات مورد علاقه‌ی نویسندگان، پیوندهای چندوجهی مردمان دوسوی خلیج فارس است و این مسئله‌ای است که به ویژه خود پاتر در مقدمه بدان پرداخته است.

فصل اول کتاب «تاریخ و جامعه‌ی خلیج فارس» نام دارد و حاوی هفت رساله است. این رسالات با تمرکز بر داده‌های باستان‌شناسی منطقه، بر تاریخ کهن خلیج فارس در اوایل دوران اسلامی تأکید می‌کنند. «باستان‌شناسی و تاریخ نخستین خلیج فارس» نوشته‌ی دی. تی. پاتر^{۱۹} (ص ۲۷)، «خلیج فارس در روزگاران کهن: عصر ساسانی» نوشته‌ی تورج دریایی و «خلیج فارس در دوران اولیه‌ی اسلامی: یاری‌گری‌های باستان‌شناسی به تاریخ منطقه» تألیف دونالد ویت‌کام^{۲۰} یکسره بر داده‌های باستان‌شناختی و تاریخی متکی است.

بخش چهارم یعنی «پادشاهان هرمز از آغاز تا ورود پرتغالی‌ها» که شانزده صفحه را به خود اختصاص داده و اثر دست محمدباقر وثوقی است، محدوده‌ی زمانی بین قرن دوازده تا هفده میلادی را دربرمی‌گیرد. دوره‌ای بسیار مهم که جزیره‌ی هرمز به لحاظ تجاری و رفت و آمد بازرگانان، در خاورمیانه اهمیتی عظیم یافت و به سنگ زرین محک تبدیل شد (ص ۹۹). از سوی دیگر این دوره، به لحاظ آزادی‌های دینی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز بسیار درخشان بود و وثوقی - به حق - بر افول این عصر درخشان پس از سال ۱۵۱۵ و آغاز ورود پرتغالی‌ها تأکید می‌کند.

رودی متی بخش بعدی کتاب را نوشته: «اوج و فرود: بندر بصره در قرون شانزده و هفده میلادی». او می‌گوید پس از سقوط هرمز، بصره نقش کلیدی واسطه در تجارت بین سرزمین‌های شرق مدیترانه و اقیانوس هند را به عهده گرفت. در زمان مورد بحث، بصره به دلیل برخورداری از یک حکومت خوب و به سامان، امنیت و ثبات بازرگانی موفق داشت.

در جای دیگر، نویسنده با برگرفتن مثالی نشان می‌دهد که مثلاً در زمان حکومت سلسله‌ی افراسیاب در اوایل قرن هفدهم - یعنی دقیقاً پیش از به هم خوردن توازن قدرت و سیطره‌ی عثمانی - در اوج شکوفایی بود و نتیجه می‌گیرد که فیما بین سیاست و تجارت همواره گونه‌ای رابطه‌ی پویا وجود دارد.

توسط انتشارات مک میلان به چاپ رسیده است.
در میان نقدها و بررسی‌های گوناگون، مقاله کریستین اولریشن^{۱۶} از نکته سنجی و دقت نظر فراوانی برخوردار است. همچنین نشریه بین‌المللی مطالعات خاورمیانه^{۱۷} و مجله سیاست خاورمیانه^{۱۸} در مقاله‌های جداگانه به این کتاب پرداخته‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- کامیار عبدی، «کتابی جدی با نام جعلی»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره ۱۴ و ۱۳، اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۲۶
- ۲- جلیل دوستخواه، اوستا: کهن‌ترین سرودهای ایرانیان، انتشارات مروارید، تهران: ۱۳۷۵، جلد دوم، ص ۷۰۷
- 3- narmarratu
- ۴- نگاه کنید به: ایرج افشار سیستانی، نام خلیج فارس بر پایه اسناد تاریخی و نقشه‌های جغرافیایی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: ۱۳۸۱، فصل اول از بخش دوم
- 5- Flavius Arrianus
- 6- Persikonkaitas
- 7- Persicus Sinus
- 8- Aquarum Persico
- 9- Quintus Curtius Rufus
- ۱۰- فرانسه: Golfe Persique، انگلیسی: Persian Golf، آلمانی: Persischer Golf، ایتالیایی: Golfo Persico، روسی: Persidskizaliv، ژاپنی: Perusha wan، ترکی: Farsi korfozi
- ۱۱- برای دسترسی به گزارش مفصل این نام و نشان رجوع کنید به: دکتر محمد جواد مشکور، نام خلیج فارس در طول تاریخ، اداره کل انتشارات وزارت اطلاعات و جهانگردی، تهران: ۲۵۳۵، صص ۱۸-۷
- 12- Lawrence G.Potter
- 13- School of oriental and African Studies (SOAS)
- 14- D.T.Potts
- 15- Donald whitcomb
- 16- William O.beeman
- ۱۷- همچنین بنگرید به: ایرج افشار سیستانی، جغرافیای تاریخی دریای پارس، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، صص ۱۵۶-۱۵۵
- 18- James onley
- 19- Joao Teles E Cunha
- 20- willem Floor
- 21- Fredrick Anscombe
- 22- J.E.Peterson
- 23- Herbert Hoover
- 24- Turkish Petroleum Company
- ۲۵- بنگرید به: دکتر همایون الهی، خلیج فارس و مسایل آن، شرکت آموزشی فرهنگی و انتشاراتی اندیشه با همکاری نشر قومس، تهران: ۱۳۶۸، ص ۹۹
- 26- Kristian Coates Ulrichsen, kuwait Research Fellow, London School of Economics and Political Science.
- 27- International Journal of middle East Studies
- 28- Middle East Policy

شکل‌گیری سیاست‌های جدید خلیج فارس در پرتو حضور خارجی‌ها محور مشترک تمام این بخش‌هاست و به ترتیب پرتغال، هلند، عثمانی، بریتانیا و آمریکا را در دستور کار خود قرار می‌دهد.

ژانوتلس راکونها^{۱۹} «حضور پرتغالی‌ها در خلیج فارس» را بررسی‌ده. به عقیده او رشته مشترکی هست که سیصد سال بعد سیاست‌های بریتانیا در قبال خلیج فارس را نیز متأثر می‌سازد. برای خارجی‌ها، خلیج فارس یک «کلید» بود و برای هند، نخستین خط جبهه دفاعی (ص ۲۲۴).

ویلم فلور^{۲۰} در بخش بعدی عنوان می‌کند که اگر چه پرتغالی‌ها نهایتاً در اعمال سیاست‌های خویش و به دست گرفتن کنترل اقتصادی منطقه با شکست و ناکامی مواجه شدند اما یک صد سال بعد هلندی‌ها بدانجا پای نهادند و این به ما یادآوری می‌کند که این پرتغالی‌ها بودند که اهمیت خلیج فارس را به دیگران گوشزد نمودند.

«روابط هلند و خلیج فارس» نام مقاله فلور است. او طی ۲۶ صفحه به مناسبات تجاری و استراتژیک قاره آسیا اشاره کرده و با ارائه تاریخچه مختصری از کمپانی هند شرقی هلند، از سرشت رابطه‌ها و برخوردهای نظامی و تجاری ایران عهد صفویه با هلندی‌ها سخن می‌گوید. قدرت کارگزاران محلی بندرعباس از دیگر موضوعات مورد بحث در نوشتار فلور است.

فردریک آنسکام^{۲۱} «نقش عثمانی در خلیج فارس» را بررسی‌ده و جی‌ای. پترسن^{۲۲} در مورد «بریتانیا و خلیج فارس: در حاشیه امپراطوری» نوشته است. فرایند تبدیل شیخ‌نشین‌های محلی و ساحل‌نشینان عرب به دولت‌های مستقل و رسمی و دوره میان این دو مرحله موضوع اصلی این دو پژوهش است.

آنسکام قطر و کویت را به صورت موردی بررسی کرده و پترسن سیاست‌های انگلیس در نیمه اول قرن بیستم را تشریح کرده است. هدف اصلی بریتانیا البته کنترل و دسترسی به هند بود که آن را «تگین تاج امپراطوری بریتانیا» می‌نامیدند (ص ۲۸۶)، داستان کمپانی هند شرقی انگلستان، نخستین تجار انگلیسی در ایران و رقابت بریتانیا با دیگر قدرتهای حاضر در منطقه از جمله مباحث این بخش ۱۸ صفحه‌ای است.

و سرانجام «ایالات متحده و خلیج فارس در قرن بیستم» نوشته گری سیک پایان بخش این پژوهش است. سال‌ها قبل از خروج رسمی انگلستان از خلیج فارس (در سال ۱۳۵۰ / ۱۹۷۱) آمریکایی‌ها شروع به تثبیت موقع خود در خلیج فارس کرده بودند. در واقع اوضاع بین‌المللی در پایان جنگ جهانی اول امکان گسترش نفوذ موثر را به آمریکا داد به طوری که در سال ۱۳۰۱ (۱۹۲۲) اقدامات موثری درخصوص به دست آوردن سهام از سوی شرکت هربرت هوور^{۲۳} آمریکایی در کمپانی نفت ترکیه^{۲۴} انجام گرفت.

در سال ۱۳۰۷ (۱۹۲۸) آمریکایی‌ها موفق شدند در مراحل انعقاد قرارداد نفت عراق شرکت کنند. کمپانی‌های آمریکایی بدین ترتیب سهامی را از شرکت نفت عراق به دست آوردند. در این دوره چنین موفقیت‌هایی را در رابطه با شرکت‌های نفتی متعلق به شیخ‌نشین‌های مختلف خلیج فارس نیز با تصویب و تأیید انگلستان به دست آوردند^{۲۵}.

سلطه مشترک آمریکا و انگلیس در منطقه، پیمان بغداد، نقش عربستان سعودی و شیخ‌نشین‌های شبه جزیره، حضور نظامی آمریکا در منطقه از سال ۱۹۹۶ به بعد از دیگر مسائل مطرح شده در این بخش است.

شرح حال و ذکر آثار نویسندگان مقالات ۶ صفحه‌ای را به خود اختصاص داده و پس از آن نمایه عام و مفصل کتاب آغاز می‌شود. این کتاب در سال ۲۰۰۹ و